

جشن بزرگ برکه

نویسنده: علی باغابی
تصویرگر: سارا استمالجیان



جشن بزرگ برکه

- نام کتاب: جشن بزرگ برکه
نویسنده: علی باباجانی
تصویرگر: سارا دستمالچیان
مدیر هنری: محمد مهدی نوری
نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۵
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد
چاپ: گل‌ها
قیمت: ۲۵۰۰ تومان
شابک:

سرشناسه: دایاجانی ، هلی ، ۱۳۵۲
 عنوان: دایاجانی: جلد اول / نویسنده: هلی دایاجانی / تصویرگر: دایاجانی / انتشارات: دایاجانی
 مشخصات نشر: تهران: نشر دایاجانی، ۱۳۵۲
 مشخصات فیزیکی: ۲۱ص، تصویر رنگی /
 نویسنده: دایاجانی
 شابک: ۹۶۴-۳۱۱۹-۰-۱
 مشخصات فهرست: فهرست
 یادداشت: گروه نشر: دایاجانی
 عنوان: هلی دایاجانی: جلد اول / ۲۳ فصل از حضرت زهرا - اوقات خلوت - داستان
 نویسنده: (هلی دایاجانی) / ۱۳۵۲ / ۲۱ص / تصویر رنگی / انتشارات: دایاجانی
 عنوان: هلی دایاجانی: جلد اول / ۲۳ فصل از حضرت زهرا - اوقات خلوت - داستان
 نویسنده: (هلی دایاجانی) / ۱۳۵۲ / ۲۱ص / تصویر رنگی / انتشارات: دایاجانی
 شابک: ۹۶۴-۳۱۱۹-۰-۱
 مشخصات فهرست: فهرست
 یادداشت: گروه نشر: دایاجانی
 عنوان: هلی دایاجانی: جلد اول / ۲۳ فصل از حضرت زهرا - اوقات خلوت - داستان
 نویسنده: (هلی دایاجانی) / ۱۳۵۲ / ۲۱ص / تصویر رنگی / انتشارات: دایاجانی
 شابک: ۹۶۴-۳۱۱۹-۰-۱



نسیم هوهوکنان آمد و شاخه‌ی درختان کنار برکه را ناز کرد. درخت اولی گفت: «وای چه نسیم خنکی.»
درخت دومی گفت: «وای چه عطر خوبی به تنم خورد. چه نسیم مهربانی.»
درخت سومی گفت: «عطر مسافر می‌آید. کاش بیاید و زیر سایه‌ام بنشیند.»
پرنده از روی شاخه همراه نسیم پرید. چرخ‌ی زد و چرخ‌ی زد. گفت: «من که چیزی نمی‌بینم؛ اما همین عطر را حس می‌کنم.»
درخت اولی گفت: «برو بالا.»
درخت دومی گفت: «برو نوک درخت سومی که از همه بلندتر است.»
پرنده پرید. رفت و رفت روی بالاترین شاخه. درخت اولی پرسید: «چیزی دیدی؟»
پرنده گفت: «نه والله.»
برکه گفت: «ولی من حس می‌کنم که دلم قل‌و‌قل می‌جوشد. دلم می‌خواهد مثل دریا باشم.»
درخت اولی گفت: «چه حال خوبی داری. خیلی زلال و صاف شدی برکه جان.»
برکه گفت: «حس می‌کنم مهمانان خوبی دارم. مهمانان عزیز و نازی دارم.»





نسیم رفت. رفت و رفت تا به جایی رسید که آدم‌های زیادی بودند. نسیم دور مرد مهربانی گشت؛ مردی که
عطر خوش گل محمدی می‌داد. بعد تندی به طرف درختان و برکه برگشت. گفت: «وای اگر بدانید چه خبر
است. آدم‌های زیادی دارند به این جا می‌آیند.»
برکه گفت: «آخ نمی‌دانی که چه حس خوبی دارم. هر وقت آدم‌ها به این جا می‌آیند، خیلی خوش حال
می‌شوم.»
نسیم دور برکه چرخید و گفت: «تازه توی کاروان، پیامبر مهربان و خانواده‌اش و پسرعمویش علی هم
هستند. وای وای وقتی دیدم شان دیگر نتوانستم شادی‌ام را پنهان کنم. مثل پروانه
دورشان چرخیدم.»
درختان با شنیدن این حرف‌ها شاخه‌های شان را تکان دادند و گفتند: «وای چه خبر خوبی! حتماً می‌آیند و از
سایه‌ی ما استفاده می‌کنند.»
کاروان به برکه نزدیک شد. آدم‌ها پیش برکه می‌آمدند و از آب برکه استفاده می‌کردند. برکه هم خوش حال
بود. ناگهان برکه دست مهربانی را در دل خودش حس کرد؛ دست پیامبر را. حس عجیبی پیدا کرد. چقدر
حالش خوب شد. همه‌ی آب‌ها می‌خواستند به طرف پیامبر بیایند. پیامبر وضو گرفت و دعا کرد. برکه با
دعای پیامبر آرام شد.





چند نفر نزدیک درخت اولی ایستاده بودند و حرف می زدند. درخت سومی که دورتر بود پرسید: «این ها دارند چه می گویند؟»

درخت دومی گفت: «من صدای شان را شنیدم. می خواهند ما را آرایش کنند.»
- آرایش.

- آره دیگه. آرایش. هیچ می دانی آدم هایی که قبلاً به این جا می آمدند، اصلاً کاری به ما نداشتند؟
- آره واقعاً. بگو هرس دیگه.

- همان دیگر. می خواهند هرس کنند. ولی کاش میوه داشتیم.

- غصه نخور. سایه های ما هم در این بیابان نعمت بزرگی است.

- راست می گوید. ببین چقدر می آیند و زیر سایه ی ما نماز می خوانند.

چند نفر به درخت نزدیک شدند و شاخ و برگ اضافی درخت ها را بریدند. حالا درختان سرحال و خوش حال بودند. شترها برگ های اضافی درخت را می خوردند. چند نفر هم مشک ها را پراز آب برکه کردند و پای درخت ها ریختند.

پرنده آمد جلو و گفت: «یک خبر خوب دارم. پیامبر مهربان صلی الله علیه و آله قرار است این جا نماز بخواند و سخنرانی کند.»
سنگ های ریز و درشت هم خوش حال بودند؛ چون چند نفر داشتند سنگ ها را جمع می کردند و پیش درخت ها می بردند. آدم ها سنگ های اطراف را جمع می کردند تا کنار درخت، سکویی بسازند.

حالا سنگ ها کنار هم بودند و روی هم سکو شده بودند. خیلی ها که رفته بودند، به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله برگشتند. نسیم دور درخت ها می چرخید و بعد سراغ مردم می رفت و آن ها را خُنگ می کرد.

درخت اولی به درخت سومی گفت: «وای چه سکویی درست شده. خوش به حالت که شاخه های ت به سکو نزدیک تر است.»

درخت سومی خندید و گفت: «خب بیا جای مان را عوض کنیم.»
بعد درخت های دیگر خندیدند.

